

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پوهاند داکتر م. ع. روستار تره کی  
۲۰۰۴۰۹



## انتخابات؟؟؟

### افزار دیموکراتیک دوام جنگ تحمیلی

تا این لحظه قرآینی به دست آمده است که کشور های مهاجم خارجی از به کارگیری انتخابات ریاست جمهوری آینده کشور قصد حفظ حالت موجود (ستاتوکو) را دارند . این حالت موجود عبارت است از :  
- حفظ نظام حکومتی فاسد و ضعیف وارداتی در پیوند با گروه های جنگی و مافیائی .  
- استتکاف از مذاکره و مفاهمه با مخالفین مسلح و نهایتاً تعقیب سیاست جنگی .  
- تشویق هر چه بیشتر گروه های جنگی وابسته به ملیشیا های قومی شمال به پیوستن در محور حاکمیت موجود از طریق انتخابات . استفاده از این محور به قصد تشدید جنگ در جنوب .  
حفظ حالت موجود ایجاب استفاده افزاری از انتخابات ریاست جمهوری آینده را به قصد دوام حکومت رئیس جمهور فعلی مینماید .  
قوت های مهاجم خارجی از تلاش در جهت تشکیل یک حکومت ملی و بالنسبه مستقل که از طریق مفاهمه با مقاومت مسلح شکل بگیرد و زمینه انتخابات آزاد و دیموکراتیک را در شرایط امنیتی سراسری مساعد بسازد ، طفره میروند . به این بینفاوتی به قضیه لااقل دو دلیل مترتب است :  
- دفع الوقت به قصد تضعیف پوتانسیل جنگی مقاومت از طریق افزایش تحرکات جنگی در طویل المدت .  
کشانیدن مخالفین مسلح خسته و از نفس افتاده به میز مذاکره احتمالی .  
تقویت موضع جنگی مخالفین مسلح که انگیزه آن تشدید جنگ توسط قوت های ائتلاف طی هفت سال اخیر بوده است ، بطلان این ستراتژی را به نمایش میگذارد .  
- تسلط این طرز تفکر در حلقه های تصمیم گیرنده ژئوپولیتیک قدرت های مهاجم که تشکیل یک حکومت مستقل در افغانستان ، منافع ملی این کشور را در پلان های ژئوپولیتیک منطقه دخیل میسازد و چه بسا که این منافع در تقابل با پلان های از پیش تدارک شده ژئوپولیتیک در افغانستان و منطقه قرار بگیرد .

حفظ حکومت موجود که با چشمان بسته و وجدان نه چندان بیدار افغانستان را در بست در اختیار بیگانگان قرار داده است ، ستراتژی فعلی ناتو را تشکیل میکند . این ستراتژی که ممکن با تغییر در اوضاع به گونه دیگر مطرح شود دور از نظر مردم افغانستان در کمیته های نظامی ستراتژیست های ناتو مطرح شده است . هیچگونه تضمینی در اینکه منافع افغانستان در ستراتژی منطقوی ناتو مورد نظر باشد ، وجود ندارد . چه افغانستان کشور اشغال شده است نه طرف مساوی الحوق یک معاهده بین المللی با ناتو و نهایتاً دارای حق دفاع از منافع خود . سهم مردم افغانستان ازین ستراتژی عجالتاً فقط جنگ و بی ثباتی است .

علی رغم اشتراک سران حکومت موجود کابل در کانفرانس های ملکی و نظامی سران ائتلاف بین المللی در افغانستان ( آخرین آن در کانفرانس اپریل سال جاری هالیند ) ، آنها حتی نتوانستند جلو کشتار مردم ملکی را توسط ناتو بگیرند ، چه رسد به جا به جایی همه تحرکات نظامی ائتلاف نظامی در محدوده یک قرار داد بین الدول . حفظ حکومت موجود و از آن طریق احراز موقعیت فعال مایشاً در کارزار افغانستان ایجاب استتکاف از مذاکره با مقاومت مسلح و نهایتاً مداخله در انتخابات آینده ریاست جمهوری را مینماید .

در میان متحدین ، امریکا دارای سابقه طولانی در امر حکومت سازی از طریق مداخله در انتخابات در کشور های تحت نفوذ است : امریکا در ۱۸۹۸ م با صدور یک اعلامیه رسمی فلیپین و پورتوریکو را با دست آویز اعطای دیموکراسی و آزادی ، « موقتاً » اشغال کرد . امریکا جای قدرت استعماری اسپانیه را گرفت . اشغال «موقتی» در قریب نیم قرن تا ۱۹۴۶ م دوام کرد . امریکا هر بار در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی ناسیونالیست ها را به نفع کاندید های وابسته به خود ، عقب میراند .

فریدینانت مارکوس وابسته به امریکا از ۱۹۶۵ م تا ۱۹۸۶ م در فلیپین به قدرت نگاهداشته شد و اشغال پورتوریکو تا سالیان ۱۹۹۸ م دوام کرد .

امروز اوضاع امریکا و دنیا از بیخ و بن تغییر کرده است . ظهور زعامت جدید در امریکا انتظارات برحقی را در اینکه سیاست خارجی آنکشور باید با گذشته ننگین وداع کند و در مسیر حمایت از نظام حقوق بین المللی جا به جا شود ، خلق کرده است .

در مورد افغانستان ، امریکا و سائر قوت های مهاجم خارجی باید لاقلاً به سه نکته توجه کنند :

- دست از حمایت حکومت بی کفایت فعلی از طریق ادامه جنگ بردارند و در صدد ایجاد یک حکومت دست نشاندگی دیگر به بهانه انتخابات نیفتند .

- با مقاومت مسلح برای ایجاد یک حکومت موقتی و لو به قیمت گرفتن قربانی از دیموکراسی وارداتی و تعبیه یک « طالب اعتدالی » در رأس یک حکومت موقتی دارای رسالت تأمین صلح ، کنار بیایند .

- مذاکره با مقاومت را باید ترجیحاً مستقیماً تنظیم کنند نه با وساطت حکومت کابل که تحت نفوذ گروه های جنگی هواخواه ادامه خونریزی اند .

- اگر قرار باشد که بر مبنای دفاع منافع مشترک ( مرجع ذیصلاح تشخیص این منافع در افغانستان لویه جرگه عنعنوی است ) نیرو های خارجی مدت کوتاهی در منطقه باقی بماند ، باید حضور نظامی خود را زیر پوشش قوانین بین المللی قرار دهند .

منافع سرشاری ازین برخوردار متصور است . از جمله :

- ختم ذهنیت اشغال افغانستان از طریق رعایت اصول در مناسبات بین المللی .

- دادن نکته پایان به قتل عام پشتون ها و استفاده از پوتانسیل رزمی مقاومت برای ایجاد ثبات در افغانستان و منطقه .

- ختم استمرار جنایات جنگی ( اشاره به کشتار مردم ملکی ) توسط قوای اشغالگر .

اگر بنا باشد افغانستان برای شکل دهی معادله جدید قوا در منطقه به کمک متحدین خارجی وارد معامله شود ، باید حرفی برای گفتن در دفاع منافع خود از طریق یک حکومت ملی داشته باشد . درین حال میباید حضور قوت های خارجی و همکاری متقابل اورگان های امنیتی ملی با نیرو های خارجی در چوکات یک معاهده بین الدول جا به جا شود . این معاهده انطوریکه معمول است منافع مشترک را سازماندهی و حقوق و وجایب طرفین را تعیین مینماید . معاهده سوء ظن را در رابطه به وجود پلان احتمالی ویرانگر پشت پرده قوت های مهاجم در مورد افغانستان از میان میبرد . فضای باور متقابل را میان مردم افغانستان و نیرو های خارجی که حضور شان از حمایت حقوق بین المللی بهره مند است ، به وجود میآورد . پوتانسیل جنگی مقاومت را در کانال منافع مشترک با متحدین تنظیم میکند . درین حال به اشغال پایان داده میشود و جنگ ( هرگا ضرورتی به آن باشد ) در بستر حقوق آرام میگردد .

از افغانستان در زمان تجاوز شوروی به مثابه جبهه مقدم جنگ برای حفظ پاکستان استفاده شد . به بهای قربانی های بیشمار افغان ها تمامیت ارضی پاکستان حفظ گردید و افغانستان با بدنه خونچکان آزاد شد . امروز با حضور قوت های ناتو در کشور سناریوی گذشته تکرار شده است : پاکستان از هفت سال به این طرف از افغانستان به مثابه جبهه مقدم جنگ و سیر دفاعی علیه قوت های خارجی استفاده مینماید و طبق معمول مذهب را به مثابه افزار سیاست خارجی و جنگ به خدمت گرفته است . پاکستان با استفاده از لشکر ارزان و رایگان جهاد و مقاومت

افغانی درگیر جنگ با ناتو و هندوستان در قلمرو افغانستان است. آخرین تلاش سمت دهی جنگ به سوی افغانستان انعقاد معاهده صلح با گروه های جهادی در آنسوی خط دیورند (سوات) است.

درین شکی نیست که دفع اشغال افغانستان به نفع هر دو کشور افغانستان و پاکستان است. اما اینهم دور از انصاف است که افغانستان کفاره گناه دیگران را (به زعم ناتو استفاده از مذهب در سیاست خارجی) به پردازد. در مقطع ها میدان جنگ گرم تحمیل شده بیگانگان باشد و به تکرار قربانی بدهد.

اگر پاکستان میتواند با امضای معاهدات عدم تعرض و متارکه در وزیرستان استقامت جنگ و جهاد را از پاکستان به افغانستان هدایت کند، هیچ دلیلی وجود ندارد، که یک حکومت ملی و مسلمان در افغانستان نتواند پوتانسیل جنگی مقاومت را در مجرای مسالمت آمیز کانالیزه کند. تأمین چنین قصدی فقط یک شرط لازم دارد:

مفاهمه سازنده با مقاومت مسلح به قصد تشکیل یک حکومت ملی و اسلامی موقتی از یک طرف و در صورت ضرورت جا به جایی موقتی و اقتضائی قوت های اشغالگر خارجی تا زمان خروج کامل در چوکات یک معاهده بین المللی و در نهایت ختم اشغال.

دوام اشغال در کشوری که حصول آزادی با سیلاب های خون معاوضه شده است وضع رابیش از پیش پیچیده تر میسازد. به مداخله کشور های منطقه در جنگ بُعد گسترده میدهد و نهایتاً سر کلاه را گم میکند.

به شهادت تاریخ جنگ در افغانستان قاعده و صلح استثناً است. هرگاه افغان ها جنگ را به نفع کشور خود بدانند بهتر از هر قوم و تبار دیگری میجنگند...

واقعیت اینست که تا زمانیکه به مردم حق اشتراک در طرح و تطبیق پلان صلح و جنگ قوت های مهاجم خارجی داده نشده است، هر نوع تحرکات جنگی قوای ناتو در داخل کشور وجهه استعمارگرانه و ماجراجویانه اختیار میکند. آنگاه برای ما راهی جز تأیید مشروط مقاومت مسلح باقی نمیماند.

درین میان انتخابات در شرایط اشغال و ناامنی در بیشتر از نیمی از قلمرو ملی توطئه ایست برای حفظ یک حاکمیت مزدور و نهایتاً ادامه جنگ تحمیلی و غیر عادلانه.